

## دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۸ پادشاهی ابدی

گاس کانکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه هشتم، پادشاهی ابدی است.

ما داستان تواریخ را با تأیید او مبنی بر اینکه نقشه خدا این بود که داوود پادشاه تمام اسرائیل باشد، به پایان رساندیم.

او کاملاً از تمام درگیری‌هایی که بین قبایل وجود داشت آگاه است، اما این چیزها بخشی از نقشه خدا نبودند. همه این چیزها بخشی از نحوه‌ی شکل‌گیری تواریخ با تمام زشتی‌هایش بودند. شما باید فراتر از جزئیات تواریخ و برخی از زشتی‌های آن، جنگ‌ها و هر چیز دیگری، به این موضوع نگاه کنید که نقشه‌ی خدا فراتر از همه این‌هاست و چگونه خدا این نقشه را اجرا می‌کند.

و بنابراین، وقایع‌نگار اکنون علاقه‌مند است که به طور کامل و واضح نشان دهد که این پادشاهی داوود نیست، بلکه یک پادشاهی ابدی است. به گفته وقایع‌نگار، این موضوع بلافاصله در سلطنت داوود با صحبت در مورد صندوق عهد نشان داده می‌شود. حال در داستان سموئیل، صندوق عهد به مدت 20 سال در کریات-یعاریم متروکه بود زیرا توسط فلسطینیان تصرف شده بود.

فلسطینیان متوجه شدند که حضور صندوق عهد خدا برایشان چندان سالم نیست، بنابراین خواستند آن را بیرون ببرند. آنها آن را تا غربی‌ترین منطقه قبیله یهودا، قلمرو یهودا در آن زمان، که کریات-یعاریم است و در غرب اورشلیم قرار دارد، بردند و در آنجا باقی ماند. حال، این پرستشی نیست که قرار است صندوق عهد نمایانگر آن باشد.

این صندوق عهد، آنطور که در مزمو ۱۳۲ آمده، محل قرارگیری الواح عهد نیست، گواهی بر این واقعیت که خدا با اسرائیل پیمان بسته و این واقعاً پای‌بند تخت خداست، مزموری که مورخ قصد دارد برای اثبات اهمیت این صندوق عهد به آن اشاره کند. بنابراین، وظیفه فوری داوود آماده کردن مکانی برای این صندوق عهد در اورشلیم و آوردن صندوق عهد به آنجا است. با این حال، داستان و روایت شامل روشی است که تلاش داوود برای انتقال صندوق عهد به هیچ وجه مطابق با پروتکلی که او باید از دستورالعمل‌های خدا در تورات می‌دانست، نبود.

یعنی، صندوق عهد همیشه باید توسط چهار تیرکی که به طور دائمی به این جعبه متصل شده‌اند حمل شود و هرگز نباید به هیچ روش دیگری حمل شود. بنابراین کاری که داوود انجام داده این است که این صندوق را روی یک گاری، نوعی گاری گاوی، قرار داده و آن را به اورشلیم منتقل می‌کند. حالا، دوباره یک کلمه مورد علاقه وجود دارد که وقایع‌نگار اینجا استفاده می‌کند و من می‌خواهم آن را اینجا بنویسم.

این کلمه پاراش است که به معنای چیزی شبیه به فرار کردن است، اما در معنای فرار کردن معانی زیادی دارد. یکی از این معانی، روشی است که مردم می‌توانند از نظر تعداد، قدرت و وفاداری خود، به طور ناگهانی و ناگهانی ظاهر شوند. و بنابراین این روشی است که در ابتدای این فصل از آن استفاده شده است.

مردم از حمایت خود از داوود به خروش آمدند. بله، ما باید صندوق عهد را به اورشلیم بیاوریم، اما در فرآیند حمل نامناسب صندوق عهد، ارابه ناپایدار می‌شود و صندوق عهد ممکن است بیفتد. و بنابراین گاهی به نام عَزّه دستش را دراز می‌کند تا صندوق عهد را ثابت نگه دارد، و خدا، پارش، ناگهان فریاد می‌زند

چند ماه پیش، من در دانشگاه مک مستر در مناظره‌ای شرکت داشتم که در واقع توسط مسلمانان حمایت می‌شد و در آن می‌خواستند دین احمدیه و امام را که از تورتو آورده بودند، به نمایش بگذارند. اما برای انجام این کار، می‌خواستند یک مسیحی نماینده دیدگاه مسیحی باشد و می‌خواستند یک خداناباور یا انسان‌گرا نماینده دیدگاه انسان‌گرا باشد و می‌خواستند یک ارائه مسلمان داشته باشند. بنابراین، ما چهار نفر در این پنل بودیم.

البته، حضور دانشجویان فوق‌العاده بود. منظورم این است که آنها بزرگترین، یکی از بزرگترین کلاس‌های درس و سالن‌های اجتماعات را در دانشگاه مک‌مستر داشتند. حداقل ۲۰۰ نفر تا بالای پله‌ها آنجا بودند و همه آنها در راهروها نشسته بودند.

آن زمان قبل از کرونا بود، زمانی که می‌توانستید در راهروها و نزدیک به هم بنشینید. آنها تقریباً طیف گسترده‌ای را نمایندگی می‌کردند. من فکر می‌کنم جالب‌ترین بخش کل بحث زمانی بود که مسلمانان با مسلمانان بر سر ملاقات تورات بحث می‌کردند.

این بحث آنقدر سریع داغ شد که مجری واقعاً مجبور شد سریعاً آن را تعطیل کند. اما بخش دیگری از آن مربوط به گروهی از افرادی بود که در سمت چپ من بودند، در حالی که من با آنها صحبت می‌کردم و برای مسخره کردن کتاب مقدس به آنجا آمده بودند. من به آنجا نرفتم تا از عقاید آنها در مورد کتاب مقدس دفاع کنم، اما یکی از قسمت‌هایی که خوانده شد، این بود که عَزّه و خدا او را به زمین زدند، زیرا او صندوق عهد را لمس کرده بود.

و منظور این شخص این بود که چرا کسی باید بخواهد به چنین خدایی خدمت کند؟ خب، البته، این نشان دهنده جهل کامل نسبت به مفهوم عبری «مقدس» است. این جهل کامل نسبت به منظور عبرانیان از گفتن خدا «است»، که من هم در مورد آن صحبت می‌کردم. منظور من این بود که وقتی می‌گویید «خدا»، هیچ «ایده‌ای ندارید که منظورتان چیست».

وقتی می‌گوییم خدا، می‌دانیم منظورمان چیست. و منظورمان این است که خدا مقدس است، به این معنی که او خارج از جهان خلقت قرار دارد. و بنابراین، آنچه که نمایانگر اوست، صرفاً متعلق به جهان خلقت نیست.

مقدس است. بنابراین، شما باید طبق قوانین به آن احترام بگذارید زیرا چیزی بسیار فراتر از یک جعبه دیگر است. در کل جهان مشترک است. من سعی نکردم زیاد در مورد این موضوع برای این طعنه‌زن توضیح دهم.

من فقط گفتم، می‌دانید، متن‌ها همیشه آنطور که به نظر می‌رسند، به نظر نمی‌رسند، همیشه آنطور که ممکن است به نظر برسند، معنی نمی‌دهند. و فکر می‌کنم شما باید به خانه بروید و تکالیفاتان را انجام دهید که البته پاسخ‌های بسیار متفاوتی دریافت کردم: کسانی که حمایت می‌کردند و کسانی که می‌خواستند مرا مسخره کنند.

اما در هر صورت، همه چیز کاملاً خوب پیش رفت، زیرا آنها در نهایت متوجه شدند که وقتی در مورد خدا صحبت می‌کنید، فقط در مورد یک قدرت انتزاعی صحبت نمی‌کنید. در واقع در مورد کسی صحبت می‌کنید که خود را به عنوان مقدس آشکار کرده است. خب، این همان چیزی است که موضوع بحث است.

و بنابراین، برای دیوید، این یک یادآوری تکان‌دهنده است که آن چیزهایی که نماینده خدا در دنیای عادی هستند، هرگز نباید دستکاری شوند. و قوانین همیشه باید رعایت شوند. و دیوید اکنون می‌ترسد زیرا خدا می‌تواند به راحتی از راه برسد، درست مثل وقتی که ما داریم کشتی را برای یک هدف بسیار خوب جابجا می‌کنیم، اما آنطور که باید به آن احترام نمی‌گذاریم.

بنابراین، البته، این امر کل روند و روند رسیدن صندوق عهد به اورشلیم را مختل می‌کند، و در این مرحله وقایع‌نگار سپس کمی بیشتر در مورد اورشلیم صحبت می‌کند. داوود برای آماده‌سازی صندوق عهد به آنجا، چه کاری انجام داده است؟ و داوود چگونه در واقع پرستش خدا را در اورشلیم برقرار می‌کند؟ بنابراین وقایع‌نگار در فصل بعدی، در مورد خانواده سلطنتی در اورشلیم صحبت می‌کند، در مورد حمایتی که داوود از نظر ساخت معبد داشت صحبت می‌کند. بنابراین، او در اینجا حمایت حیران، پادشاه صور را مطرح می‌کند.

سپس، او روایت خانواده داوود در اورشلیم و فرزندان را که در آنجا از او متولد شدند، می‌آورد. سپس درباره واقعه‌ای که قبلاً به آن اشاره کرده بود، یعنی حمله فلسطینیان به دره رفائیم، که درست در جنوب اورشلیم است، صحبت می‌کند و داستان چگونگی وفاداری داوود را بیان می‌کند. برخلاف شائول، او مشورت می‌کرد

او با یهوه مشورت کرد. او با خدا مشورت کرد. و از خدا پرسید، در رابطه با فلسطینیان چه باید بکنم؟ و چه زمانی حمله کنم؟ و او از خدا دستور گرفت.

بنابراین، نتیجه برای داوود کاملاً متفاوت از آنچه برای شائول در جنگ علیه فلسطینیان بود، است. سپس وقایع‌نگار به آوردن این صندوق عهد به اورشلیم برمی‌گردد. بنابراین در اینجا داوود را می‌بینیم که کارها را به روشی که قرار است انجام شود، انجام می‌دهد.

بنابراین، فصل ۱۵ درباره چگونگی سازماندهی لایوان توسط داوود صحبت می‌کند. او تمام پرسنل معبد را سازماندهی می‌کند تا افراد مجاز و مناسب، صندوق عهد را به روشی که مقرر شده بود، حمل کنند. بنابراین، نیازی به پالاش نیست.

نیازی به ظهور خدا نیست. آنها فقط باید اجازه دهند نمادهای خدا، آنچه که نمایانگر قدوس اسرائیل است، در آن بازنمایی قدرت یابند تا مشخص شود که اینها فقط اشیاء دیگری نیستند. اینها مقدس هستند و دربار خدا به ما می‌گویند.

بنابراین، ما کل مراسم جشنی را داریم که داوود برای نصب صندوق عهد ترتیب می‌دهد. و البته، در این برهه از زمان، او فقط صندوق عهد را در خیمه‌ای که برای آن در اورشلیم آماده کرده است، نصب می‌کند. و چیزی که قرار است بفهمیم این است که خود خیمه هنوز در جبعون قرار داشته است.

اما صندوق عهد بخشی از خیمه‌ی عهد در جبعون نبود. داوود در حال انتقال صندوق عهد به اورشلیم است و در آنجا چادری دارد که محل نگهداری صندوق عهد در اورشلیم است. بنابراین، در واقع، اکنون دو مکان برای عبادت و دو دسته از پرسنل امنیتی و لایوان وجود دارد، یکی در اورشلیم در اطراف صندوق عهد و دیگری در پشت جبعون.

حالا، اینجا است که به چیزی می‌رسیم که برای وقایع‌نگار بسیار مهم است: استفاده از موسیقی و سرودها. حالا، من نمی‌دانم که وقایع‌نگار می‌دانسته که داوود به طور خاص از این آهنگ‌ها و این سرودها در رابطه با نصب صندوق عهد استفاده کرده است یا خیر. کاری که وقایع‌نگار انجام می‌داد انتخاب سرودهایی از مزامیر

بود، انواع چیزهایی که آنها در اطراف معبد می خواندند، که به آنها می گفت، که اعتراف می کرد خدا کیست، که قدوس اسرائیل کیست.

اینها مزامیرهایی هستند که می خواهید به آنها برگردید. من قبلاً مزامیر ۱۰۵ و ۱۰۶ را تدریس می کردم، چون آنها مزامیر موازی هستند، یکی از آنها درباره عهد و پیمانی که خدا با اسرائیل می بندد صحبت می کند و دومی درباره تمام داوریهایی که به دلیل نافرمانی آنها در رابطه با عهد بر سر اسرائیل آمد. آنها به یکدیگر مرتبط هستند.

خب، مزمنونیس با مزمنور ۱۰۵ شروع می کند، و در مزمنور ۱۰۵، تنها زمانی را داریم که او واقعاً از نام یعقوب استفاده می کند زیرا این نام بخشی از مزمنور است. خدا یک کلاه بره ساخت، او با ابراهیم عهد بست و او با یعقوب عهد بست، و تا آن نقطه از مزمنور است که وقایع نگار نقل قول، تمام آیات مزمنور را ارائه می دهد. و سپس او در این ستایش، که بخش بزرگی از مزامیر است، شروع می کند، یعنی می گوید خدایی که این عهد را با ابراهیم بست، عهدی می بست که همه ملت های جهان باید برکت یابند.

هیچ جانبدارانه ای در این مورد وجود ندارد. اینجا مرکز جهان است و اگرچه ممکن است اینطور به نظر نرسد، اما هرگز آنچه اینجا اتفاق می افتد را اشتباه نگیرید. اینجا پادشاهی کیهانی است و بنابراین ما مزمنور ۹۸ را به عنوان همان هایی می شناسیم که گاهی اوقات سرودهای بر تخت نشستن می نامیم ۹۶.

بگذار خداوند سلطنت کند یا خداوند سلطنت کند و سپس چندین بخش از این سرود را داریم که در مورد نحوه حضور خداوند در حکومتش و نحوه اعمال عدالت و حکومتش بر تمام زمین به ما می گوید. این چیزی است که وقایع نگار می خواهد ما بدانیم: حکومت جهانی خداوند. این همه ملت ها هستند و همه ملت ها خواهند آمد و تعظیم خواهند کرد.

سپس او به مزمنور ۱۰۶ برمی گردد، اما فقط از آخرین آیات این مزمنور اعتراف برای صحبت در مورد برکت خداوند که بر کسانی که او را می جویند نازل می شود، استفاده می کند. این واقعاً همان نکته ای است که او می خواسته بیان کند. اینطور نیست که اسرائیل یا داوود هرگز شکست نخورده اند، اما پادشاهی از آن آنها خواهد بود زیرا آنها کسانی هستند که وفادارند و آنها کسانی هستند که خدا قرار است آنها را تکریم و برکت دهد.

این ما را به این متن بسیار بسیار معروف آمدن ناتان نزد داوود می رساند. ما می دانیم که در سموئیل، داوود اکنون بر تخت خود نشسته است و می گوید: «من آرامش دارم. من از دشمنان اطرافم آرامش دارم.» کلمه آرامش کلمه ای است که از یوشع گرفته شده است.

یعنی خدا نجات خود را به ارمغان آورده است. او رهایی خود را به ارمغان آورده است، و اکنون آنها آرامش دارند. آنها در پادشاهی خدا هستند، و بنابراین داوود می گوید، من اینجا در یک کاخ هستم، و صندوق عهد خدا در یک خیمه ساکن است.

من می خواهم برای خدا خانه ای بسازم. و ناتان می گوید که باید این کار را بکنی، اما بعد ناتان از خدا کلامی دریافت می کند و خدا به ناتان می گوید، تو همه چیز را برعکس متوجه شدی. داوود برای من خانه ای نمی سازد.

من در حال ساختن خانه ای برای داوود هستم. حال، در اینجا کمی با کلمه خانه بازی می کنیم، و آن را در مزمنور ۱۲۷، ۱ و ۲ می بینیم. مزمنوری که بسیاری از ما آن را به خوبی می شناسیم، بخشی از سرودهای زائران که در آن، اگر خداوند از خانه محافظت نکند، نگهبان بیهوده نگهبانی می کند، اگر خداوند مردم یا شهر را

نسازد، محافظان بیهوده نگرهبانی می کنند. حال، در بازی با کلمه خانه، ساختمانی وجود ندارد؛ بازی با کلمه شهر یک سازه فیزیکی نیست.

در ادامه درباره خانواده صحبت می کند. خوشا به حال کسی که خانواده‌ای پر از اعضای خانواده دارد. به عبارت دیگر، خانه، یعنی مردم.

شهر، قوم است و خانه‌ای که خدا برای داوود می‌سازد، قوم است. این قوم هستند که قرار است بخشی از این وعده باشند. بنابراین، داوود اکنون از طریق پیام این پیشگویی متوجه می‌شود که پادشاهی او ابدی است و او نماینده‌ی قومی است که قوم خدا هستند و آنها قومی هستند که تا ابد ادامه خواهند یافت.

بنابراین، ما پاسخ داوود را داریم. این پاسخی از روی فروتنی است. داوود می‌گوید، خداوند، هیچ دلیلی وجود ندارد که من باید مردی مطابق میل تو باشم.

هیچ کاری نکرده‌ام که مرا لایق انتخاب تو کند. سپس در مورد اسرائیل صحبت می‌کند. می‌گوید، می‌دانید، این کوچکترین ملت است.

، آنها کمترین لیاقت را برای داشتن نوعی اهمیت در این دنیا دارند، اما شما آنها را انتخاب کرده‌اید. سپس دیوید در ادامه تأیید می‌کند که آنچه وقایع‌نگار می‌خواهد همه ما بدانیم، حقیقت دارد. این پادشاهی خداست.

و بنابراین، این افرادی که اینجا جمع شده‌اند، کسانی هستند که نماینده‌ی تنها پادشاهی واقعاً مهم هستند. و این روند آغاز شده است زیرا صندوق عهد اکنون در اورشلیم، مکانی که خدا برای سکونت نام خود برگزیده بود، مستقر شده است. و آنجا جایی است که مردم قرار است برای پرستش خدا و پادشاهی او گرد هم آیند.

من دکتر آگوست کانکل هستم در حال تدریس در مورد کتاب‌های تواریخ. این جلسه هشتم، پادشاهی ابدی است.